

عوامل ایجاد شک چیست؛ شک در مسیر چگونه ابدیت ما را تهدید می‌کند؟

شک در مسیر چگونه باعث کندی سرعت ما در رسیدن به هدف می‌شود؟

اصولا ویژگی شک این است که فضا را برای ما غبارآلود کرده و از همین جهت حرکت ما را با کندی یا توقف مواجه می‌کند و طبیعتا در این میان مهم‌ترین حرکتی که برای ما در زندگی وجود دارد و مطرح می‌شود، حرکت به سوی ابدیت است. از همین‌رو باید عواملی که برای این حرکت تهدید کننده بوده و خطرساز هستند را شناسایی کرده و با آن‌ها مقابله کنیم؛ یکی از این عوامل شک در مسیر است که در حقیقت مانعی برای سرعت و سبقتمان در حرکت به سمت ابدیت محسوب می‌شود.

اما مهم است بدانیم چه عواملی در ایجاد شک در مسیر موثرند و آیا هر شک منجر به توقف ما در مسیر ابدیت می‌شود؟

ما یا نسبت به مسیر خود و چگونگی پیمودن آن یقین و شناخت کافی داریم و یا به دلایل مختلفی از جمله انکار حقیقت، دچار شاخه‌هایی از شک و تردید می‌شویم. تقریبا هر فرد سالمی می‌پذیرد که برای خروج از شک به تعقل نیاز داریم؛ در واقع باید بر اساس تجربه‌ها و داده‌هایی که از راه‌های مختلف کسب کرده‌ایم، تفکر کنیم و این فکر مبنایی برای تعقل ما، خروجمان از شک و تردید و رسیدنمان به اطمینان قلبی شود. اگرچه این موضوع کاملا وابسته به همت ماست که به چه میزان خود را در این توقفگاه‌ها نگه می‌داریم و با چه سرعتی درصدد رفع شک و شبهه‌های خود برمی‌آییم. چه بسا عدم تلاش برای رفع این شبهه‌ها ما را برای عمری متوقف کرده و یا باعث حرکت رو به عقب یا سقط شدنمان در مسیر رسیدن به ابدیت گردد. به همین جهت مهم است که هم شک را بشناسیم و هم با تغذیه مناسب نفس خود، راه برطرف کردن شک در مسیر و شبهه‌ها را برای خود هموار کنیم. چون قاعدتا شک بدون حرکت و تلاش ما از بین نرفته و چه بسا گستره آن به مسائل و موضوعات دیگری نیز در وجودمان برسد.

عوامل ایجاد شک

اگرچه دلایل ایجاد شک با توجه به نوع شکی که به آن دچار می‌شویم، متفاوت است، اما غالباً چند موضوع اساسی وجود دارد که زمینه را برای ایجاد شک در مسیر در وجود ما فراهم می‌کند.

ما به میزان دلبسته شدن به دنیا و تمایل به صفت‌ها و رذائل اخلاقی، خود را در معرض شک قرار می‌دهیم؛ به میزانی که قلبمان از اصل و حقیقت خود یعنی الله فاصله گرفته و با دنیا، مادیات و انگیزه‌های شخصی تناسب پیدا می‌کند، از علم، معرفت و منبع ثبات دور می‌شویم و راه افکار و تمایلاتی مانند وسوسه یا شک و تردید را به وجودمان باز می‌کنیم؛ پس اعمال و رفتار ما می‌توانند راهی برای غلبه شک و وسوسه یا خروج از آن برای ما باز کنند؛ درست مانند کینه یا حسادت که اگرچه فردی است، اما توانایی دلسرد کردن ما نسبت به همراهی با حرکت یا مجموعه‌ای از افراد را دارد.

وظیفه ما حرکت به سمت ابدیت، حفظ سلامتیمان در این راه و استقامت در صراط مستقیم است و شیطان از هر حربه و وسیله‌ای از جمله شک به عنوان یک ابزار قدرتمند برای سست شدن، کندی یا توقف ما در این مسیر استفاده می‌کند؛ مثلاً گاهی اوقات که امکان ایجاد تزلزل و تردید در مسائل اساسی را ندارد، از شک‌های جزئی‌تر و ابتدایی‌تر برای رسیدن به هدف استفاده می‌کند؛ زیرا پرداختن به شک‌های خفیف و ابتدایی و پروراندن آن‌ها، در صورت عدم برطرف شدن، می‌تواند به زمینه‌ای برای شک‌های بزرگتر و اساسی‌تر تبدیل شود.

البته در این میان از قدرت جهل و عدم اطلاع کافی نسبت به یک موضوع هم نباید غافل شویم؛ طبیعتاً وقتی از ابعاد مختلف یک موضوع اطلاع نداریم، به راحتی گرفتار وسوسه‌ها و تردیدها می‌شویم و توانایی ایستادن در برابر نظرها و شرایط مخالف را نداریم؛ درست مانند زمانی که می‌خواهیم به اتاق تاریکی وارد شویم و عدم اطلاع کافی از شرایط اتاق می‌تواند باعث تردید ما در قدم برداشتن شده و ثبات قدم و اطمینان

ما را به کلی سلب کند؛ پس همان‌گونه که خود را در معرض هر ویروس و عامل بیماری‌زایی قرار نمی‌دهیم، باید از قرار گرفتن در معرض شرایطی که موجب پیدایش تردید و شک در مسیر ما می‌شود نیز دوری کنیم. در واقع شک عامل ایجاد به هم ریختگی در وجود ماست و به محض اینکه شک خود را در هر زمینه‌ای برطرف کنیم، به یقین و آرامش می‌رسیم.

آیا شک در هر شرایطی برای ما خطرناک است؟

اما هر شکی هم برای ما خطرآفرین نیست! به عبارتی شکی که مقدمه رسیدن به یقین را در ما فراهم می‌کند، شک به جایی است؛ ما در طول زندگی با موارد بسیاری روبه‌رو می‌شویم که در ابتدا برای ما واضح و روشن نبوده و به مرور برای ما مشخص شده‌اند؛ مانند تصمیماتی که از ابتدا برای گرفتن آن‌ها مصمم نبوده‌ایم یا انتخاب‌هایی که ابعاد مختلف آن برای ما گنگ و مبهم بوده‌اند، اما گذر زمان و کسب علم و آگاهی به مرور ما را به یقین و اطمینان رسانده است. از طرفی چون برای رسیدن به این یقین ابعاد مختلف موضوع را بررسی کرده‌ایم، طبیعتاً به سطح بالاتری از اعتقاد و یقین رسیده‌ایم؛ پس می‌توان گفت که شک پل خوبی برای عبور و رسیدن به یقین محسوب می‌شود، اما در عین حال جای درستی برای توقف نیست و حتی ممکن است منجر به سقط شدن ما در حرکت به سمت ابدیت شود.

ما در مسیر حرکت خود به سمت ابدیت نیز قطعاً با تردیدهایی مواجه می‌شویم؛ این اتفاق خصوصاً در زمان بلوغ که در حال محکم کردن پایه‌های اعتقادی خود هستیم، یا زمانی که در معرض تصمیمات و ابتلائات بزرگی قرار گرفته‌ایم، حالت جدی‌تری به خود می‌گیرد؛ که البته در صورت برطرف شدن، خود به سکویی برای صعود و عاملی برای نجات ما تبدیل می‌شود.

اهمیت برطرف کردن شک مخرب

اگر با هدف و غایت خلقت خود به عنوان یک انسان آشنا بوده و خود را به عنوان فردی بدانیم که در مسیر حرکت به سوی خانه اصلی است، طبیعتاً ابعاد مختلف زندگی‌مان را هم با این خانه اصلی یا ابدیت سازگار می‌کنیم. در حقیقت، بهره‌مندی از امکانات ابدیت نیازمند قلب سلیمی است که شرایط و لازمه‌های آن از دنیا آغاز می‌شود و ما به عنوان انسانی که بازیگر اصلی این صحنه است، نیازمند ایجاد این سازندگی و آمادگی نسبت به فضای دنیا هستیم.

اما یکی از پیامدهای خطرناک شک ممانعت از ایجاد سازندگی در وجود ماست؛ در واقع سازندگی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که ما با تمام وجود چیزی را پذیرفته باشیم و شک دقیقاً در نقطه مقابل این پذیرش است؛ پس نه تنها حرکت ما را در این مسیر با کندی یا توقف مواجه می‌کند، بلکه باعث فاصله ما از تولد سالمی می‌گردد که برای زندگی ابدی خود به آن نیاز داریم.

ما در این مقاله به بررسی پیامدهای خطرناک شک در مسیر حرکت به سمت ابدیت پرداختیم؛ گفتیم که شکی که مقدمه‌ای برای رسیدن ما به یقین گردد باعث استحکام اعتقادی ما می‌شود؛ اما شک مخربی که مانع ایجاد سازندگی در وجود ماست، می‌تواند حرکت ما را با کندی مواجه کرده و یا باعث توقف ما در حرکت به سمت ابدیت شود.